

موانع ادغام اقتصاد عربستان سعودی در فرماسیون انباشت سرمایه‌داری جهانی^{۱-۲}

محمد داوند^۳، سید مسعود موسوی شفائی^۴

چکیده

دغدغه اساسی پژوهش حاضر ریشه در این پرسش دارد که چرا اقتصاد عربستان سعودی (به‌رغم توان استفاده از فرایندهای جهانی‌شدن، نیروی کار جوان، درک ناکارآمدی اقتصاد تک‌محصولی و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی)، نمی‌تواند از شیوه انباشت نفت‌محور گذار و در فرماسیون انباشت سرمایه‌داری جهانی (پسافوردیستی یا پسا صنعتی) ادغام شود؟ در پاسخ به این سؤال، نویسنده معتقد است که دگرگونی در فرایند انباشت سرمایه در پادشاهی سعودی به تغییر در رویکرد حکومت در ارتباط با جامعه، بخش خصوصی و سیاست خارجی پرهزینه آن وابسته است. از این رو، مادامی که بسترها و شرایط فوق به همراه کاهش وابستگی به نفت مهیا نشود، صورت‌بندی انباشت سرمایه عربستان سعودی وابسته به نفت و دولت، مستقل از دانش و فناوری، متکی به تخصص نیروهای خارجی، یکنواخت و بی‌بهره از عواید بخش خدمات خواهد بود.

واژگان کلیدی: اقتصاد عربستان سعودی، نظام انباشت نفت‌محور، راهبردهای سیاسی، نظام انباشت سرمایه‌داری

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۴

۲. مقاله مطروحه مستخرج از رساله دکتری و حاصل یک طرح پژوهشی مورد پشتیبانی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور است

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول،
davand@modares.ac.ir

۴. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، shafae@modares.ac.ir

۱. مقدمه

عربستان سعودی از جمله کشورهایی است که تحولات سیاسی، اجتماعی و حقوق بشری آن همواره مورد توجه تحلیل‌گران روابط بین‌الملل بوده است. به‌رغم اینکه نظام سیاسی عربستان از معیارهای دموکراتیک فاصله بسیار دارد؛ اما سیاست خارجی آن در مجامع بین‌المللی و کشورهای همسایه فعال است. و به‌رغم اینکه تحولات سال ۲۰۱۰ به بعد، در ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا دگرگونی‌های اساسی ایجاد کرد و سبب فوران جنبش‌های اجتماعی فراوانی شد، در عربستان سعودی شکاف‌های مذهبی بر شکاف‌های سیاسی بار نشدند و این کشور خطر سقوط نظام را پشت سر گذاشت.

بسیاری بر این باورند که سیاست سرکوب و بازتوزیع ثروت در عربستان سعودی این کشور را از جمع‌شوریهایی که در آنها انقلاب رخ داد، جدا کرد. اگر در این ارتباط دقیق‌تر به موضوع نگاه کنیم و تحولات سیاسی و اجتماعی عربستان سعودی را در چارچوب اقتصاد سیاسی بررسی کنیم، به چند نکته حائز اهمیت دست می‌یابیم. (۱) درک ساختاری اوضاع سیاسی و اجتماعی عربستان، بدون بررسی شالوده‌های نظام اقتصادی این کشور مفید نخواهد بود. (۲) شکل متقابل کسب معرفت در ارتباط با نظام اقتصادی این کشور (چیستی و گونه‌شناسی) به فعل و انفعالات فرایندهای سیاسی و حاکمیتی بستگی دارد و (۳) تبیین موضوعات سیاسی عربستان به واسطه شرایط اقتصادی یا به‌عکس در صورتی معنادار خواهد بود که بهره‌گیری از مبانی اقتصاد پوزیتیویستی در این رابطه، در چارچوب اقتصاد پساپوزیتیویستی باشد.

از این حیث، معالی برای دانشوران روابط بین‌الملل به منظور توصیف، تبیین و نقد شرایط اقتصادی عربستان سعودی، حاصل می‌شود. مطالعه حاضر در خصوص یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های اقتصاد سیاسی عربستان به تحقیق و بررسی پرداخته است. در دهه اخیر به‌ویژه پس



از به قدرت رسیدن ملک سلمان گفتمان اصلاح اقتصاد سعودی بیش از پیش رواج یافته است. اما به‌رغم اینکه این کشور می‌تواند نظیر دیگر کشورهایی که به‌سرعت به سمت اقتصادهای پسا صنعتی به پیش می‌روند (چین و کره جنوبی) از بسترهای جهانی شدن استفاده لازم را ببرد، مسئله اصلاحات اقتصادی (حرکت به سمت اقتصاد دانش‌محور) فقط بر روی کاغذ مطرح است و هنوز اجرایی نشده است. به عبارتی دقیق‌تر، شیوه انباشت سرمایه در این کشور از معیارهای اقتصادهای پسا صنعتی که در آنها فرایند انباشت سرمایه متکی بر دانش، سرمایه انسانی متخصص، بازارمحور و مبتنی بر خواست مصرف‌کنندگان است، متفاوت است. از این رو اگرچه حکومت در عربستان سعودی برنامه‌ریزی‌های زیادی برای جراحی‌های اقتصادی دارد، اما تا زمانی که شیوه انباشت تغییر نکند و به استانداردهای انباشت پسا صنعتی (که گونه بازاری آن پساوردیسم است)، متمایل نشود، تمایلات مزبور منحرف خواهند شد.

از طرفی، مهم‌ترین وسیله برای تغییر شیوه انباشت سرمایه در عربستان سعودی خواست ارکان حاکمیتی آن است. مقتضیات اقتصاد پسا صنعتی و شیوه انباشت آن ایجاب می‌کند که حکومت در رابطه خود با شهروندان تجدیدنظر کند و به جامعه مدنی و بخش خصوصی اجازه فعالیت دهد، از جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود کاسته و هزینه‌های فراوانی را که در کشورهای پیرامونی برای حفظ هژمونی (سلطه و برتری) صرف می‌کند، به فرایند انباشت سرمایه بازگرداند. اگر شرایط مزبور به علاوه کاهش وابستگی به نفت فراهم شود، اقتصاد عربستان سعودی می‌تواند از مواهب جهانی شدن بهره‌مند شده، در مسیر اقتصادهای پسا صنعتی حرکت کند. البته ذکر این نکته ضروری است که کیفیت و سرعت رسیدن به فرماسیون انباشت پساوردیستی دغدغه پژوهش حاضر نیست.

۲. تمهیدات نظری: پساوردیسم جدیدترین مرحله انباشت سرمایه در نظام سرمایه‌داری

از لحاظ تئوریک سرمایه‌داری یک پروسه مرکز‌محور است که تولیداتش را در سراسر جهان عرضه می‌کند. سرمایه‌داری نخستین شیوه حکومت‌داری است که تمامی گونه‌ها و اشکال جوامع دیگر (برده‌داری، فئودالیت و ...) را در یک نظام جهانی جدید، ارائه می‌کند. این نظام شیوه‌ای حکومتی در قالب استعمارگری و امپریالیسم است که کشورهای اروپایی به واسطه مقتضیات آن برای نخستین بار ممالک دیگر از جمله کشورهای امریکای لاتین را استعمار کردند. سرمایه‌داری از حدود قرن پنجم میلادی بیشتر کشورهای اروپایی را درنوردید؛ چرا که این نظام برای ادامه بقا به نیروی کار ارزان، زمین، ماده خام و بازارفروش نیاز داشت. از این رو، کارل مارکس علت همه این «جنايات» را انباشت سرمایه می‌داند. از سویی، جهانی شدن (جهانی‌سازی) یک شیفت زمانی در طول تاریخ بشریت به شمار می‌رود که ساختارهای اجتماعی و شیوه زندگی انسان را تغییر داد. نکته اینجاست که جهانی‌سازی یک دوره زمانی از سرمایه‌داری است. در واقع، سرمایه‌داری تا کنون چند مرحله را پشت سر گذاشته است که عبارت‌اند از (۱) دوران فئودالیت (۲) صنعتی شدن (ظهور بورژوازی) (۳) دوره تاریخ سرمایه‌داری که با ظهور و رشد شرکت‌های بزرگ همراه بود و به خاطر آنها درگیری میان دول به وجود آمد و (۴) جهانی‌سازی. (Robinson, 2004: 3-15)

از اوایل دهه ۱۹۸۰ دو دیدگاه در خصوص آثار سیاسی و اجتماعی جهانی شدن^۵ به وجود آمد. دیدگاه اول بر این باور است که مقتضیات جهانی شدن به یکسان‌سازی همه اماکن دنیا از لحاظ سیاسی و فرهنگی مبادرت کرده است.^۶ اما دومین دیدگاه به جهانی شدن به مثابه تغییرات سریع و انقلابی در عرصه‌های تکنولوژیک و ارتباطاتی اعتقاد دارد. آگنیو این دو فرض را رد کرده و توسعه نابرابر را در تبیین جهانی شدن مطلوب‌تر توصیف می‌کند.^۷ در واقع، جهانی شدن جهان را به دو قطب دارا و ندار و به مناطق مرکزی و نواحی وابسته به آن تقسیم می‌کند.^۸ از این رو، در صدسال اخیر فاصله بین فقیر و غنی به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ بیشتر شده است. در نتیجه ۱۵ درصد از جمعیت کشورهای ثروتمند جهان دارای حدود ۶۰ درصد از تولید ناخالص جمعیت دنیا هستند. از سویی، جهانی شدن، اقتصاد جهانی را وارد دوران پساصنعتی کرده است (Agnew, 2001: 135-149). زیرساخت اقتصاد پساصنعتی رشد ریزتراشه‌ها و انقلاب در فناوری اطلاعات است. از این رو از سال ۱۹۷۰ سرمایه‌داری دولت-ملتی با تمام ساختارهای سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک به یک دوران جدید از سرمایه‌داری با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، گذار کرد.

در نظم اقتصاد پساصنعتی «اقتصاد دانش محور»^۹ تولید کالاها، بیشتر به مهارت‌های تکنولوژیکی وابسته است تا مهارت کارگرانی که با دستان خود به تولید و مونتاژ کالاها می‌پردازند. در چنین اقتصادی مهارت‌های مورد تقاضا عبارت‌اند از دانش علمی و فنی و توانایی کار با اطلاعات. انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات در قرون اخیر به عرصه اقتصاد کشیده شده و به طور مداوم این روند تشدید شده است^{۱۰} (Muller, 2013: 38).

از نظر بل شاخص‌ترین ویژگی‌های جامعه پساصنعتی در نظم اقتصاد سرمایه‌داری عبارت‌اند از: ۱) افزایش اهمیت [بخش] «خدمات» در صنعت؛ ۲) افزایش روند جایگزینی «دانش» به‌ویژه «دانش نظری» به مثابه دارایی‌ای که بنیاد نظم اجتماعی را تشکیل می‌دهد؛ ۳) اتکای فزاینده نظام سیاسی بر متخصصان فنی برای توضیح، تبیین و حل دغدغه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی؛ ۴) روند افزایشی نتیجه‌بخش کاربرد عقلانیت در زندگی اجتماعی و سیاسی که به وضوح انواع برنامه‌ریزی‌های سیاسی و اقتصادی را دربرگیرد (Ferkiss, 1979: 66).

در ارتباط با نظریه پساصنعتی دو سناریو خوش‌بینانه و بدبینانه وجود دارد. از نظر بل در جامعه

۳. برخی معتقدند که جهانی شدن در تکوین سیاست‌های نئولیبرال نقشی اساسی داشته است.

۶. در این دیدگاه مدرنیزاسیون از سطح دولت‌های ملی به مقیاس جهانی برکشیده شده است.

۷. در این دیدگاه تغییرات تکنولوژیک و ارزش‌های ایجاد شده به همراه آن در جهانی شدن، بهتر از بررسی جبرگرایانه جهانی شدن که در واقع به دور از ملاحظات تأثیر تفاوت‌های جغرافیایی بر توسعه می‌باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۸. اما برخی نظیر لیندرت و ویلیامسون معتقدند که گسترش چشمگیر در شکاف درآمدها در دوره حاضر نه تنها به واسطه جانی شدن کاهش یافته است؛ بلکه جهانی شدن اقتصاد جهانی را همگن‌تر کرده است (Lindert and Williamson, 2002: 228).

9. knowledge-Based Economy

۱۰. اگرچه رشد اقتصاد پسامدرن با توسعه بخش خدمات پیوند خورده است، منجر به بروز کارهای اطلاعاتی و ارتباطاتی شده و کاهش اشتغال در بخش‌های صنعتی نظیر فولاد و لاستیک قدیمی را در پی داشته است؛ اما این مسئله بیانگر تمام واقعیت نیست. به عبارت دیگر، رشد صنعت و تولید در جهان به واسطه بخش خدمات کاهش چشمگیری نداشته و در همین راستا بخش خدمات به طور کامل جایگزین تولید کالاها صنعتی نشده است (Hirschhorn, 1988: 19).



پساصنعتی اشتغال مردم بیشتر به واسطه بخش خدمات و افزایش روزافزون کادرهای حرفه‌ای و فنی است. این قشر از جامعه موقعیت ممتاز اجتماعی خود را بر اثر تسلط بر دانش فناوری‌های اطلاعاتی به دست می‌آوردند و از آنجا که شایسته‌سالاری معیار اساسی در رتبه‌بندی اجتماعی است، بل انتظار داشت که در این جامعه از عمق تضاد طبقاتی به شدت کاسته شود یا اختلاف طبقاتی از بین برود. اما تحلیل بل از این واقعیت غافل شد که در همین جامعه ممکن است بنیان‌های ایجاد یک طبقه فرادست شکل گیرد. این تحلیل بدبینانه را پسافوردیسم مطرح می‌کند (Esping-Andersen, 1992:3).

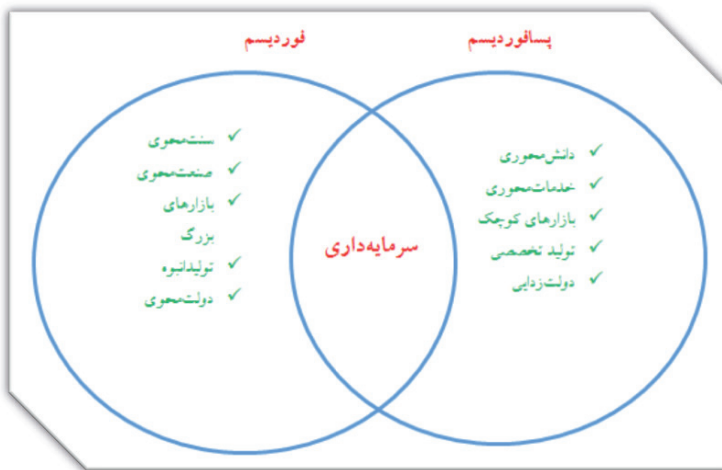
پسافوردیسم نظامی از انباشت سرمایه است که فراتر از نظام تولید و مصرف فوردیستی^{۱۱} به منظور گذار از بحران [فوردیستی] به پیش می‌رود. در واقع فوردیسم از اواخر دهه ۱۹۶۰ وارد بحران شد و خیلی زود (از سال ۱۹۷۳) تحولات شتابان اقتصادی برای حل آن به وجود آمد. برآوردها نشان می‌دهند که ریشه‌های بحران فوردیسم اقتصادی بود؛ چرا که از اواخر دهه ۶۰ میلادی فوردیسم از تخصص‌گرایی عقب ماند و رشد بهره‌کند شد. در اقتصاد فوردیستی تمامی بازارهای دنیا، از آسیا و اروپا گرفته تا آمریکا، رقابت برای تولید انبوه کالاها بیش از پیش ادامه داشت و انحصار تولیدکنندگان آمریکایی را به چالش می‌کشید. بحران تولید فوردیستی برای یافتن بازارهای جدید و شیوه جدید تولید و انباشت سرمایه، تولیدکنندگان آمریکایی را تحت فشار قرار داد (Gartman, 1998:124).

بنابراین در حالی که انبوه‌سازان در جست‌وجوی شیوه اقتصادی بودند که تولید انبوه محصولات مشخص و متعارف را در دستور کار داشته باشد؛ تولیدکنندگان پسافوردیستی بر حوزه‌ای از عرصه اقتصاد متمرکز شدند که در آن تنوع کالاها دائماً در حال تغییر بود. این شیوه، پایه گذار نظامی جدید در مصرف بود که در آن به جای بازارهای بزرگ، بازارهای کوچک اما تخصصی شده ایجاد شد. در شیوه جدید تولید و انباشت سرمایه، «انعطاف‌پذیری»^{۱۲} بیشتری یافت. یعنی کارگران و ماشین‌آلات به سرعت به تولید محصولات متنوع پرداختند که از طیف وسیعی از سفارشات سرچشمه می‌گرفت. بنابراین، اگرچه در اقتصاد فوردیستی تولید مقیاسی مشخص داشت، در شیوه جدید به تدریج فن‌آوری‌های میکروالکترونیک، رباتیک و فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بیشتر اهمیت یافتند و از اهمیت کار کارگران کاسته شد (Gartman, 1998:124).

یکی از پیامدهای نظام انباشت به شیوه پسافوردیستی مصرف انبوه و بازتولید کنترل سرمایه‌داری بر اقتصاد جهان است.



۱۱. مفهوم فوردیسم به واسطه هنری فورد در ایالات متحده آمریکا عمومیت یافت. این واژه به طور اختصاصی به اشتغال نیروی کار نیمه‌ماهری اشاره دارد که در یک خط مونتاژ در حال کار هستند. و به شکل عمومی واژه فوردیسم به سبک زندگی آمریکایی اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شیوه انبوه تولید و مصرف گسترده است (Jessop, 1991).



پس از جنگ دوم جهانی اقتصاد سیاسی جهان مبتنی بر اقتصاد کینزی (فوردی) بود. اما طولی نکشید که با انجام اصلاحات نئولیبرالی، تشدید جهانی شدن و برچیده شدن بساط اقتصاد کینزی، ساختار اجتماعی انباشت (ارزش) کار کارگران به فعال شدن در بخش‌هایی تغییر یافت که پیشینه کردن مصرف در قالب اقتصاد پسافوردیستی را رواج می‌دادند، از این رو بازارهای زیادی در دنیا به وجود آمد و مازاد انباشت سرمایه هم در داخل (عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی) و هم در خارج فرصت‌های زیادی برای افزایش سود ایجاد کرد. افزایش سود سرمایه‌داران اختلاف طبقاتی را در ساختار جامعه جهانی افزایش بخشید و منجر به کم شدن قدرت خرید بسیاری از مردم و در نتیجه فرایند سود بیشتر برای سرمایه‌داران شد. همان گونه که گفته شد در گذشته نظام سرمایه‌داری مشکل اختلاف طبقاتی و مازاد انباشت سرمایه را به واسطه اقتصاد کینزی و امپریالیسم حل کرده بود؛ حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا در حال حاضر نیز چنین اتفاقی می‌افتد؟ اکنون به واسطه فرایندهای جهانی شدن، قطبی‌سازی ساختار جامعه جهانی صورت گرفته، بحران بازتولید اجتماعی را شکل می‌دهد. سبک زندگی در دوره جهانی شدن مصرف‌گرایی است. از این رو شمار افرادی که به زنجیره مصرف‌گرایی جهانی می‌پیوندند و کسانی که از این سلسله می‌گسلند روز به روز در حال افزایش است. برای مثال در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در حالیکه بیشترین رشد جهانی ایجاد شد، سطح زندگی بسیاری از مردم ایین مانده بود.^{۱۳}

۱۳. زمانی که دولت نتواند سیاست بازتولید اجتماعی (رفاه اجتماعی) را اجرا کند، اعتراضات به طور خودجوش در بخش‌های حاشیه‌ای شده بیشتر می‌شود، دول مشروعیّت خود را از دست می‌دهند و بحران سیاسی به وجود می‌آید. در جامعه جدید جهانی شکل درگیری دیگر بین دولت‌ها نیست بلکه بین اجتماعات به حاشیه رانده شده و سرمایه‌داران و به عبارتی دیگر بین اجتماعات محروم و طبقه فراملیتی سرمایه‌دار است. به همین دلیل جامعه جهانی به سه دسته تقسیم می‌شود؛ الف) ۳۰ تا ۴۰ درصد از مردم که قدرت خرید دارند و در بطن نهادهای سرمایه‌داری مشغول به کارند (در کشورهای مرکزی و به مراتب کمتر کشورهای پیرامونی)، ب) ۳۰ درصد از جمعیت کشورهای مرکزی و ۳۰ درصد از جمعیت کشورهای پیرامونی که امنیت شغلی ندارند و ج) و ۳۰ درصد از جمعیت کشورهای مرکزی و ۵۰ درصد از کشورهای پیرامونی که از مواهب نظام تولیدی سرمایه‌داری محروم شده‌اند. بنابراین هژمونی (سلطه) سرمایه‌داری به دلیل قطبی شدن جامعه جهانی و تقویت نیروهای گریز از مرکز رو به زوال است.



۳. بسترهای ترویج اقتصاد پسا صنعتی (دانش محور) در عربستان سعودی
عربستان سعودی در نظر دارد به یک قدرت اقتصادی دانش محور و فناوری محور تبدیل شود. از این رو این کشور در کوتاه مدت قصد دارد زیرساخت‌های اجتماعی، صنعتی، تصمیم‌گیری و نهادی خود را برای نیل به این منظور فراهم کند و در بلندمدت سرمایه‌گذاری‌هایش را در بخش علم و فناوری به طور محسوس افزایش دهد (Khorsheed, 2015: 151).

۳.۱ برنامه‌ریزی حکومت برای تغییر وضعیت اقتصادی

حکومت عربستان سعودی یکی از ارکان تحقق بخشیدن به اقتصاد دانش محور است. حکومت مشخص می‌کند که چه سیاست‌هایی باید دنبال شود، چه کارکردهایی مطلوب‌اند یا باید نادیده گرفته شوند و چگونه اجزای سیستم در برابر یکدیگر واکنش نشان دهند. از سال ۲۰۱۵، با استقرار حکومت جدید عربستان سعودی مدیریت اساسی این کشور در سیاست خارجی تغییر کرد و «راهبرد چندجانبه‌گرایی»^{۱۴} که در چند دهه اخیر رواج داشت، تقویت شد. راهبرد چندجانبه‌گرایی در پی انواع روابط دیپلماتیک با قدرت‌های بزرگ جهت استقلال بیشتر در مقابل هژمون است. شاهزاده محمد بن سلمان در ژوئن ۲۰۱۵ برای برقراری روابط دوجانبه اقتصادی، نظامی و هسته‌ای به مسکو سفر کرد؛ در همین ماه نیز به پاریس رفت تا روابط دفاعی پاریس-ریاض را تقویت کند. ملک سلمان نیز در فوریه و مارس ۲۰۱۴، از ژاپن، هند و چین دیدن کرد. یکی از اصول راهبرد چندجانبه‌گرایی تلاش عربستان سعودی جهت جذب سرمایه‌های کشورهای آسیایی در بخش صنعت و بخش‌های غیر نفتی است. عربستان سعودی انتظار دارد کشورهای آسیایی نظیر چین و ژاپن فناوری پیشرفته خود را به این کشور وارد و نیز اطلاعات لازم و مهارتشان را به کارگران این کشور برای شکل‌گیری یک اقتصاد «دانش محور» منتقل کنند (Yamada, 2015: 121-129).

از سوی شاهزاده بن سلمان، برنامه‌ریزی‌هایی ساختاری جهت تحول در اقتصاد سیاسی عربستان برای ورود به دوره پسا کربن دارد. شاهزاده بن سلمان در طرحی با عنوان «چشم‌انداز پادشاهی عربستان سعودی» تغییرات گسترده اجتماعی و اقتصادی را برای جامعه عربستان مد نظر گرفته است. در این طرح قرار است بزرگترین صندوق ذخیره ارزی^{۱۵} جهان را با ۲ تریلیون دلار (محل تأمین این پول از شرکت‌های نفتی به‌ویژه آرامکو است) که برای خرید شرکت‌های اپل، گوگل، مایکروسافت و برکشایر و هاتاوی کافی است، ایجاد کند. با اجرای این طرح یارانه‌های بنزین، گازوئیل، برق و آب با کاهش محسوس روبه‌رو و نیز برای کالاهای لوکس مالیات و ارزش افزوده مقرر خواهد شد. این اقدامات تا سال ۲۰۲۰، ۱۰۰ میلیارد دلار در آمد غیر نفتی عاید عربستان می‌کند (Waldman, 2016).

۳.۲ وجود سرمایه انسانی

هزینه‌ها بیانگر این واقعیت‌اند که حکومت سعودی در خصوص مسائل تربیتی، نظیر فناوری‌های

14. managed multi dependence

15. Sovereign Wealth Fund

آموزشی که به طور مستقیم در به ثمر رسیدن نیروی کار ماهر آینده تأثیر دارد، تلاش زیادی کرده است. از این رو در هر ۵ برنامه توسعه اقتصادی عربستان، توسعه منابع انسانی از جمله دغدغه‌های دولت برای سرمایه‌گذاری بوده است (Debnath, 2015: 11). به علاوه، دولت عربستان سعودی در سال ۲۰۰۵، به ۵۰۰۰ جوان سعودی بورس تحصیلی خارج از کشور اعطا کرد. همچنین، دانش‌آموزان ممتاز عربستانی برای ۴ سال برای تحصیل در دانشگاه‌های کانادا و ایالات متحده آمریکا، انگلستان، نیوزلند، سوئیس، استرالیا، فرانسه و آلمان، بورسیه دریافت کردند و تمامی هزینه‌های زندگی آنها اعم از شهریه و مخارج زندگی پرداخت شد. دانشگاه‌ها نیز در انتقال اقتصاد عربستان سعودی به یک اقتصاد دانش‌محور نقش به‌سزایی دارند. برای مثال دانشگاه عبدالعزیز در تحقیق جامعی که به کمک مرکز مطالعات استراتژیک خود انجام داد، ۴۴ سند تحقیقاتی برای انتقال اقتصاد خود به اقتصادی دانش‌محور منتشر کرد. همچنین این دانشگاه به تأسیس کمپانی «وادی جده»^{۱۶} مبادرت ورزید که کارکرد اصلی آن بر اقتصادهای دانش‌بنیان متمرکز شده است (Al-Filali, 2012: 11-12).

همچنین، حکومت از طرح‌های ابتکاری و اختراعاتی که به واسطه اشخاص حقیقی و حقوقی به ثبت برسند، حمایت می‌کند و برای آنها جوایزی در نظر می‌گیرد. این جوایز برای تشویق و ترویج خلاقیت و نوآوری و در نتیجه کمک به توسعه علم و فناوری در جامعه‌اند. در سال ۲۰۱۲، سعودی‌ها مخترعان برتر حوزه‌های بیوتکنولوژی، پزشکی و سلامت، مواد پیشرفته و فن‌آوری پتروشیمی بودند (Alsodais, 2013: 25).

۳.۳ جهانی شدن

عربستان سعودی برای تقویت پایه‌های اقتصاد صنعتی ضعیف خود و پر کردن خلأ فناورانه نیروی کار خود در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، می‌تواند از مزایای جهانی شدن یعنی توجه بیشتر به صادرات و ادغام در اقتصاد جهانی دانش‌محور استفاده وافر ببرد. این کشور از ظرفیت‌هایی نظیر، منابع کافی و لازم برای برخورداری از یک اقتصاد دانش‌محور، جمعیت زیاد و موقعیت جغرافیایی مناسب در خلیج فارس برخوردار است. بنابراین می‌تواند از طریق توسعه و گسترش صادرات خود به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای عربی اسلامی (به خصوص صادرات محصولاتی که مطابق با فرهنگ این کشورهاست)، و نیز به جذب سرمایه‌های خارجی فناورانه بپردازد و به نخبگان و استعدادهای برجسته خارجی اقامت دائم اعطا کند (National Strategy for Transformation into Knowledge Society, 201: 34-36).

عربستان سعودی علاوه بر اینکه می‌تواند اقتصاد خود را با اقتصاد جهانی ادغام کند، قادر است با درگیر کردن اقتصاد خود با اقتصادهای کشورهای عربی، از مزایای فراوانی برخوردار شود. برای مثال، پایه‌گذاری «منطقه تجاری آزاد عربی»^{۱۷}، در سال ۱۹۹۸ با همکاری ۱۸ کشور (عربستان سعودی از طراحان اصلی این طرح بود) از اتحادیه عرب صورت گرفت و در ژانویه ۲۰۰۵، همزمان با حذف تعرفه‌های تجاری میان کشورهای عربی، اجرا شد. عربستان سعودی همچنین در حال تأسیس بازاری مشترک با ۵ کشور عربی دیگر است. تمامی این اقدامات می‌توانند به روند

16. Wadi Jeddah

17. Arab Free Trade Area (AFTA)



ادغام اقتصاد این کشور در اقتصاد جهانی سرعت بخشند (Depetris Chauvin, 2010: 49-53).

۴.۳ ناکارآمدی اقتصاد نفت محور (بیکاری و رشد نامتوازن)

عربستان سعودی با بیش از ۳۱ میلیون نفر جمعیت حدود دوسوم جمعیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. نرخ رشد جمعیت عربستان ۲,۵۴ درصد است و از هر هزار نوزاد ۵ نفر هنگام تولد می‌میرند. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۵؛ ۳,۴۹ درصد، نرخ رشد صادرات غیر نفتی در سال ۲۰۱۵؛ منفی ۱۲,۵۴ درصد؛ سهم بخش خصوصی غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۵؛ ۳۹,۲۷ درصد و نرخ رشد کالاهای غیر نفتی صادراتی این کشور نیز در اکتبر ۲۰۱۶؛ منفی ۲,۸ درصد بوده است (Central Department of Statistics and Information, 2016).

تولید ناخالص داخلی این کشور بیش از ۷۲۷ میلیارد دلار است و در سال ۲۰۱۲، نرخ رشد این کشور ۸,۶۳ درصد بوده است. نرخ رشد این کشور بیشتر به واسطه بخش نفت و گاز بوده و صنایع نفتی ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. در این زمینه عربستان سعودی ظرفیت تولید نفت خود را به بیش از ۱۱ میلیون بشکه در روز رسانده است. به جز محصولات نفتی بیشتر تولیدات این کشور شامل تولید، مونتاژ یا بسته‌بندی محصولات مصرفی برای بازارهای داخلی است. برخی از دیگر تأسیسات صنعتی این کشور مربوط به پتروشیمی، مواد شیمیایی و کود است. با وجود تلاش دولت برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی در گوشه و کنار کشور اما باز هم توسعه در مناطق مختلف عربستان نامتوازن است. منطقه باحه، جازان و تبوک عربستان ارتباط با بخش‌های متفاوت کشاورزی و مواد غذایی در حال فعالیت‌اند. منطقه قصیم عربستان فعالیت ویژه‌ای در ارتباط با بخش‌های صنعتی، مصالح ساختمانی، مواد غذایی، مواد شیمیایی، منسوجات و تجهیزات الکترومکانیکی دارد. منطقه ریاض در بخش‌هایی نظیر خدمات اطلاعاتی و ارتباطی، بهداشت و درمان و خدمات مالی فعالیت دارد. در منطقه مکه اماکن مقدس مسلمانان، پارک علم و فناوری و دانشگاه ملک عبدالله وجود دارد و گردشگری اسلامی در این منطقه رایج است (Khorsheed, 2015: 146). بیشتر کارگران خطوط تولید، کارگران خارجی هستند، در حالی که عربستان به شدت از معضل بیکاری در بین جوانان رنج می‌برد (Khorsheed, 2015: 148).



آمار و اطلاعات اقتصادی عربستان در سال ۲۰۱۵	
۳۱ میلیون نفر	جمعیت
۱۴ نفر	تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع
۲۱۰۶۱ دلار	سرنانه تولید ناخالص داخلی
۶۵۳۲۱۹۰۰۰ دلار	تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار
۲۰۵۴۴۷۰۰۰ دلار	ارزش صادرات
۱۵۷۹۶۲۰۰۰ دلار	ارزش صادرات نفتی
۴۱۳۰۷۰۰۰ دلار	تراز حساب جاری
۲۶۶۴۵۵۰۰۰ بشکه	ذخایر اثبات شده نفت خام
۸٫۵ میلیارد متر مکعب	ذخایر اثبات شده گاز طبیعی
۱۰۱۹۲۶۰۰ بشکه	تولید نفت خام در هر روز
۱۰۴۴۵۰۰۰۰ متر مکعب	عرضه گاز طبیعی به بازار
۷۱۶۳۳۰۰ بشکه	صادرات نفت خام در روز
(OPEC, 2016)	

۴. موانع الحاق عربستان سعودی در نظام انباشت سرمایه‌داری جهانی

برای درک موانع عدم گذار اقتصاد عربستان سعودی به نظام انباشت پسافوردیستی تنها ذکر عوامل اقتصادی کافی نیست. توسعه اقتصادی این کشور از جهات متعددی به بافت سیاسی و به عبارت بهتر، به توسعه سیاسی آن بستگی دارد. توضیح آنکه، کامیابی‌های اقتصادی در این کشور یکی از مهم‌ترین عوامل مشروعیت نظام سیاسی عربستان است. از این رو، در مقاطع گوناگون آل سعود، برای گریز از اصلاحات سیاسی، اصلاحات اقتصادی را اولویت اصلی حکومت و جامعه قرار می‌دهد.

آنچه درجه اصلاحات اقتصادی در عربستان سعودی را تعیین می‌کند، عمدتاً تحت تأثیر جهانی شدن قرار دارد. فراورده‌های جهانی شدن نظیر رسانه‌های ارتباط جمعی و تبعات آن در کشورهای همسایه به مثابه نیروی عمل می‌کند که می‌تواند بر عمق شکاف‌های سیاسی (عدم تحرک در فرایند چرخش قدرت) این کشور بیفزاید. کارکرد دیگر جهانی شدن، تأثیر بر مقامات بلند پایه و سیاسی این کشور به منظور اصلاحات اقتصادی است. نسل جوان شاهزاده‌های عربستانی تحصیلات عالی خود را در کشورهای توسعه یافته نظیر ایالات متحده آمریکا و انگلستان گذرانده‌اند، اقتصاد عربستان سعودی به واسطه مجراهای جهانی شدن با اقتصادهای توسعه یافته در حال دادوستد است و مقامات عربستان سعودی ناظرند که چگونه کشورهای در حال توسعه نظیر چین، برزیل و هندوستان از بسترهای جهانی شدن برای گذار به اقتصادهای دانش محور بهره‌برداری می‌کنند.

اما مقتضیات اقتصاد سیاسی عربستان سعودی مانع از تحقق توسعه اقتصادی عربستان می‌شود.



ساختارهای قدرت در عربستان از فعالیت‌های بخش خصوصی به میزانی گسترده جلوگیری می‌کند. بخش زیادی از درآمدهای نفتی عربستان صرف پشتیبانی از جنبش‌ها، احزاب و گروه‌های نظامی در کشورهای رقیب نظیر سوریه می‌شود. آل سعود همچنین هزینه‌های زیادی در جنگ یمن متقبل شده است.

جمع شرایطی که جهانی شدن در ارتباط با جامعه و حکومت عربستان سعودی در پی داشته است، بیشتر از آنکه اقتصاد این کشور را در مسیر انباشت دانش محور قرار دهد، در مسیر انباشت سنتی (انباشت از طریق درآمدهای نفتی) نگه می‌دارد. از این رو حکام سعودی سعی دارند با اعلان اصلاحات اقتصادی واقعیت‌های اقتصاد سیاسی عربستان را انکار کنند. در ادامه پیامدهای این موضوع به تفصیل بررسی می‌شود.

۴.۱ تقویت دولت رانتیر (نظام انباشت دولتی سرمایه مبتنی بر سوخت‌های فسیلی)

بر طبق گزارشی که اداره اطلاعات انرژی آمریکا منتشر کرده است؛ عربستان سعودی بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده معانات نفتی در جهان است؛ و حدود یک‌پنجم ذخایر اثبات شده نفت جهان را در اختیار دارد (Martorell, 2012: 50). اقتصاد عربستان سعودی اقتصادی رانتی است _ که در طول زمان نیز توسعه یافته است _ و منجر به شکل‌گیری طبقه جدیدی از تجار شده است که از خانواده‌های سلطنتی هستند (Stiftung, 2016: 3) و بخش خصوصی در اقتصاد سیاسی این کشور محلی از اعراب ندارد؛ چرا که عمده فعالیت‌های تجاری این کشور به علت فروش نفت و به واسطه دولت است. از این رو؛ ریشه‌ها و عمده فعالیت بخش خصوصی به پیش از دوران اکتشاف نفت باز می‌گردد. زمانی که خانواده‌های تاجر ثروتمند در مناطق بومی به ویژه در منطقه حجاز به تجارت می‌پرداختند (Linnemann & Lacroix, 2015: 8).

ظرفیت مهم‌ترین پالایشگاه‌های عربستان سعودی

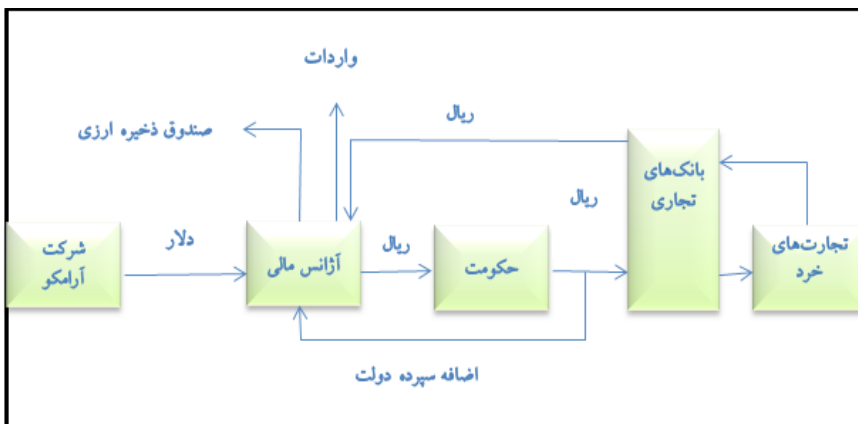
پالایشگاه	مالک	ظرفیت
راس تنوره	سعودی آرامکو	۵۵۰۰۰۰ بشکه در روز
رابغ	سعودی آرامکو	۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز
ینبغ	سعودی آرامکو	۲۳۵۰۰۰ بشکه در روز
ریاض	سعودی آرامکو	۱۲۰۰۰۰ بشکه در روز
جده	سعودی آرامکو	۸۵۰۰۰ بشکه در روز
آرامکو موبیل	سعودی آرامکو/ اکسون موبیل	۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز
جیبیل	سعودی آرامکو/ توتال	۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز
آرامکو شل	سعودی آرامکو/ شل	۳۰۵۰۰۰ بشکه در روز
یانبو	سعودی آرامکو/ کونوکوفیلیپ	۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز

U.S.-Saudi Arabian Business Council 2016:3



در واقع ثروت عظیمی که از درآمدهای نفتی عاید عربستان شده است، پیامدهای اساسی برای ساختار سیاسی و اقتصادی این کشور در پی داشته است. شاید مهم‌ترین این پیامدها در پیکربندی رابطه حکومت در رابطه با شهروندان عربستانی تعریف شده است. در واقع پس از دهه ۱۹۵۰ که نفت به تدریج جایگزین درآمدهای فراوان نفتی شد. هرچند تا به امروز نیز به روش‌های مختلف از شهروندان مالیات می‌ستانند، اما مالیات بخش ناچیزی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد. بنابراین منبع درآمد دولت شهروندان نیستند و به تبع آن دولت به مردم پاسخگو نیست. تأثیر مهمی دیگری که نفت بر اقتصاد عربستان گذاشته است، تسریع تلاش‌های حکومت برای متمرکز کردن اقتصاد در دستان خود و مستقل از نخبگان اقتصادی و دیگر بازیگران بین‌المللی است. یکی از پیامدهای مهم دیگر در این رابطه ایجاد اعتماد به نفس در شهروندان عربستانی مبنی بر برتری نسبت به سایر ملیت‌های دیگر برای انجام مشاغلی است که نیاز به کار یدی دارد. از این رو حکومت عربستان برای کاهش بیکاری به واسطه جوانان خود در مشاغل یدی با مشکل مواجه شده است (Etheridge, 2002: 5-10).

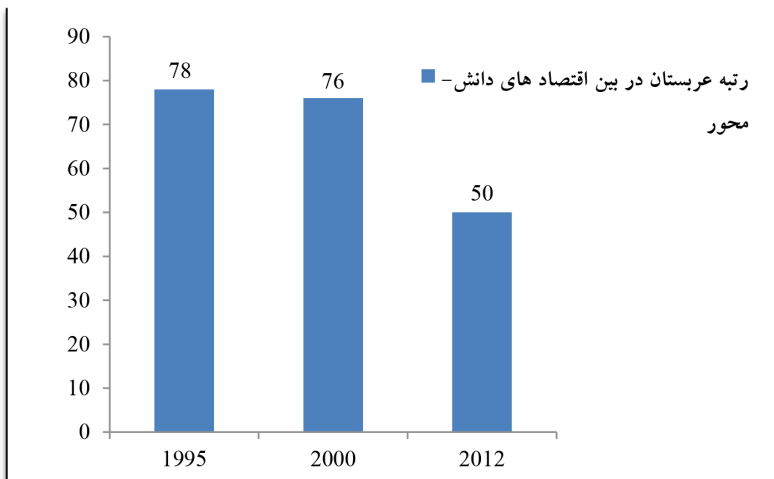
از سویی، امروزه ۷۰ درصد از مردم عربستان در بخش دولتی کار می‌کنند. در حالی که بخش خصوصی در حال گسترده‌گی و سبقت گرفتن از بخش دولتی است که پادشاهی سعودی کارفرمای اصلی آن است، یکی از بزرگترین چالش‌های اقتصاد خانوارها دستیابی به مشاغل جدید و امن است. البته بخش خصوصی دارای مزیت تولید بیشتر (سازنده‌تر) و پرداخت بهتر دستمزد است. بنابراین، تغییر در رابطه دولت، کسب و کار و شهروندان مؤلفه‌ای اساسی برای انتقال از وضعیت کنونی اقتصاد عربستان سعودی به شمار می‌رود. روند تکاملی سرمایه‌گذاری‌های حکومت، رفاه اجتماعی و انواع الگوی ارائه خدمات به مردم، راه را برای مجموعه‌ی جدیدی از قوانین اقتصادی هموار می‌کند. در این رابطه آن قسمت از بخش خصوصی سود بیشتری می‌برد که خود را با این واقعیت‌ها وفق دهد و به طور موفقیت‌آمیزی سرمایه و کار خود را با جامعه و دولت هم‌تراز و سازگار کند (MGI, 2015: 23-25).



به این نکته سیورامکرشنا نیز اشاره دارد. از نظر وی، فعالیت کسب و کارهای کوچک در عربستان سعودی کاملاً به صادرات نفت و فرایند تبدیل نرخ ارز به ریال وابسته است. از این منظر بحران در قسمت نفت و گاز (کاهش فاحش قیمت) منتج به بحران در دیگر قسمت‌ها از جمله بخش خصوصی و کسب و کارهای کوچک شده و ممکن است اقتصاد این کشور را با شکست مواجه کند (Sivramkrishna, 2016: 75-85). این مطلب در شکل فوق ترسیم شده است.

۲.۴ نقش اندک فناوری‌های دانش‌محور در انباشت سرمایه

بدیهی است که کشورهای در حال توسعه باید برای توسعه اقتصادی از اقتصادهای سنتی فاصله گرفته، به سمت اقتصادهای مبتنی بر دانش حرکت کنند. بر خلاف اقتصادهای سنتی که محرک اصلی منابع طبیعی و ذخایر زیرزمینی است، در نظام‌های اقتصادی دانش‌محور، علم، فن آوری و نوآوری موتور محرک توسعه به شمار می‌رود (Salem, 2014: 1050). محمد نور معتقد است که اقتصاد عربستان سعودی در فرایند گذار به اقتصاد دانش‌محور قرار گرفته و در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۱۲، پیشرفت‌های محسوسی حاصل کرده است. رشد اقتصاد دانش‌محور عربستان از استانداردهای منطقه‌ای فراتر رفته و حتی به معیارهای بین‌المللی نزدیک شده است (Nour, 2014: 1-5).



اگرچه نور به آمارهای بانک جهانی و چند مؤسسه بین‌المللی از جمله کردار فوق اشاره دارد، اما شاخص‌های وی در تبیین فرایند گذار عربستان به اقتصاد دانش‌محور، در آمد سرانه شهروندان عربستانی، عضویت عربستان در سازمان اپک و تأثیرگذاری این کشور بر اقتصاد بین‌الملل به واسطه نفت است. از این رو باشهاب و باداپریا اعتقاد دارند که جایگاه فناوری، علم و دانش در اقتصاد عربستان سعودی ناچیز و یکی از الزاماتی که این کشور برای تسریع در فرایند گذار باید رعایت کند، تربیت منابع سرمایه‌ای جهت نیل به این مقصود است (Bashehab & Buddhapriya, 2013: 270). این واقعیت با سیری در آمار ارزش بازار سهام معامله شده عربستان در سال ۲۰۱۱، به خوبی ملموس است.

ارزش بازار سهام معاملات اقتصادی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۱		
سهم به درصد	ارزش معامله شده به ریال	بخش
۲۹,۹۸	۳۲۹۳۹۲۳۹۸۶۰۰۷۰	صنعت پتروشیمی
۱۷,۷۹	۱۹۷۴۶۶۷۰۹۹۳۵۱۵	بیمه
۹,۸	۱۰۸۳۳۹۴۰۰۰۸۹۱۰	صنایع غذایی و کشاورزی
۶,۶۹	۷۳۵۵۴۳۱۳۱۸۱۸۰	بانک‌ها و خدمات مالی
۵,۹۱	۶۴۹۶۶۳۳۵۰۶۳۶۵	سرمایه گذاری‌های صنعتی
۵,۰۱	۵۵۰۴۴۹۰۷۸۷۷۹۵	ساختمان و مسکن
۴,۹۷	۵۴۵۷۸۲۲۵۲۴۹۹۵	فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطات
۴,۹۳	۵۴۱۶۶۳۹۷۱۳۷۴۵	سرمایه گذاری چندجانبه
۴,۲۸	۴۷۰۶۰۱۸۱۳۷۴۶۵	توسعه املاک و مستغلات
۳,۰۱	۳۳۰۶۰۷۱۰۴۰۹۵۰	سیمان
۲,۶۶	۲۹۲۵۷۹۹۰۱۸۲۲۵	خرده‌فروشی
۱,۷۷	۱۹۹۴۳۳۴۵۴۲۸۵۴۰	حمل و نقل
۱,۲۲	۱۳۳۷۳۹۲۸۰۰۹۵۵	انرژی و تأسیسات
۰,۸۸	۹۷۰۹۱۲۷۵۰۸۰۰	رسانه و انتشارات
۰,۸۶	۹۴۳۱۹۴۹۷۷۸۶۰	هتل و توریسم
۱۰۰	۱۰۹۸۸۳۶۰۲۸۶۵۶۷۵	مجموع

Ibrahim,2013:135

۳.۴ کمبود سرمایه انسانی ماهر در فرایند انباشت

سن دوسوم از جمعیت عربستان سعودی زیر ۳۰ و ۳۷ درصد از جمعیت این کشور زیر ۱۴ سال است. در طول دهه بعد دست کم ۲ میلیون نفر از سعودی‌ها نیروی کار این کشور را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که نظام آموزش و پرورش این کشور در خصوص آموزش و مهارت‌آموزی به این افراد نقصان‌های زیادی دارد. حدود ۶۳ درصد از جوانان در عربستان دارای مدرک دیپلم هستند، اما از مهارت کافی برای به حرکت درآوردن بخش خصوصی برخوردار نیستند. در حال حاضر نرخ بیکاری در بازه سنی ۱۴ تا ۲۹ سال، ۲۹ درصد است. در حالی که عمده کارگران و متخصصان بخش خصوصی را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند (Jeddah Chamber, 2016:36).

این وضعیت برای عربستان خوشایند نیست؛ از این رو طبق برنامه «سعودی سازی»^{۱۸} (۲۰۱۳)، این کشور در صدد برآمد تا مستخدمان خارجی شاغل در این کشور جای خود به اتباع سعودی بدهند. هدف این برنامه ابتکاری دفع معضل بیکاری و اعمال محدودیت بر کارگران و تکنسین‌های



خارجی است. طبق آمار، نرخ بیکاری در عربستان سعودی در سال ۲۰۰۴، ۸٫۲ درصد و در سال ۲۰۰۸ به ۱۰٫۸ درصد رسید. البته این آمار تنها مربوط به مردان است. در حالی که نرخ بیکاری مردان و زنان عربستانی در مجموع ۳۰ درصد است. حال اگر قرار باشد این خیل از بیکاران در توسعه اقتصاد عربستان سعودی سهیم شوند، آموزش و تخصص آنها از مباحث اساسی خواهد بود (Alshabari & Others).

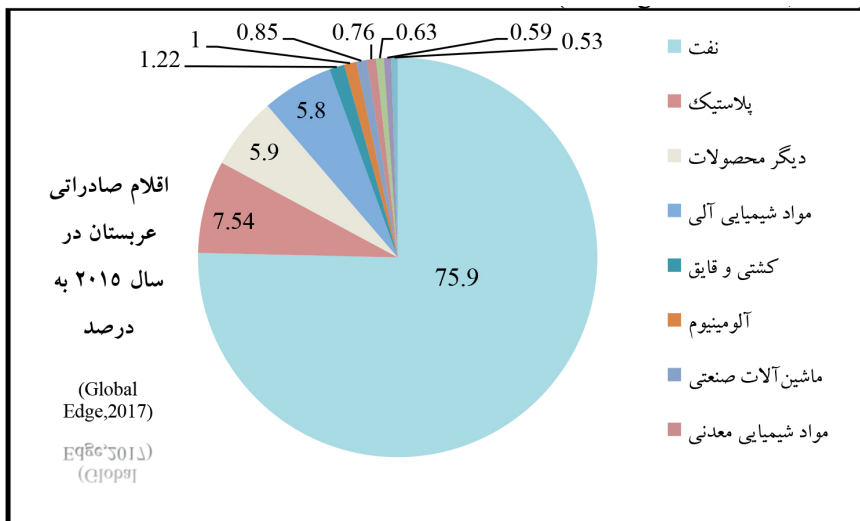
در همین ارتباط، گزارش سالانه شورای مهندسان عربستان در سال ۲۰۱۴ بیانگر آن است که تنها ۶ درصد از مهندسان شاغل در عربستان بومی هستند. در این شورا ۹۱۲۲ نفر عضویت دارند. در حالی که ۱۳۵۰۳۵ مهندس خارجی شاغل در این کشور مشغول به کار هستند. در جدول زیر به تفکیک تعداد مهندسان خارجی و داخلی بررسی می‌شوند (Arab News, 20 September, 2014).

رشته	داخلی	خارجی
عمران	۲۳۵۶	۴۳۳۲۵
معماری	۲۳۱۴	۱۱۹۵۶
مکانیک	۱۴۵۷	۲۱۶۷۷
برق	۱۱۹۶	۲۳۶۰۰
شیمی	۵۴۴	۱۷۷۵
نفت	۳۶۴	۲۶۷۵
کامپیوتر	۳۳۴	۴۷۲۷
صنایع	۲۸۵	۱۳۶۸
الکترونیک و مخابرات	۲۱۰	۱۴۱۴۹
کشاورزی	۴۴	۶۵۰
طراحی نویسنده (Arab News, 20 Septem-ber 2014)		

۴.۴ عدم انباشت سرمایه به واسطه تولید کالاهای غیر نفتی در تجارت بین الملل
 به اعتقاد رایبسون تضاد در بین کشورهای فقیر که به سه گروه تقسیم می‌شوند رو به افزایش است. دسته اول کشورهایی از شرق آسیا هستند آنها در حالی که به طور موفقیت آمیزی در حال توسعه صادرات خود به کشورهای سرمایه‌داری هستند، همچنان می‌کوشند تا بازارهای خود را نیز توسعه دهند. دسته دوم کشورهایی هستند که کالای زیادی برای عرضه در تجارت بین‌الملل ندارند و اقتصاد آنها بیشتر جنبه مصرف‌محوری دارد. اما گروه سوم شامل کشورهایی نظیر عربستان می‌شوند که به واسطه منابع نفتی در حال توسعه مراودات و بازارهای خود هستند.

پایگاه مجازی گلوبال ادج، کل صادرات عربستان در سال ۲۰۱۵ را ۲۰۱۴۹۱۷۵۹۸۷۱ دلار و مجموع واردات این کشور را ۱۶۳۸۲۰۹۵۲۵۰۳ دلار برآورد کرده است. مهم‌ترین اقلام وارداتی این کشور ماشین‌آلات صنعتی، ماشین‌آلات الکتریکی، سنگ‌های قیمتی و فلزات، آهن‌آلات، دارو، غلات و ... بوده است (Global Edge, 2017). واردات عربستان در سال ۲۰۱۵ گویای آن است که این کشور ۶۵ میلیارد دلار تسلیحات نظامی وارد کرده است. افزایش واردات سلاح عربستان به دلیل جنگ با حوثی‌های یمن است. عمده خرید تجهیزات سعودی جت یوروفایتر (تایفون)، جنگنده اف-۱۵، هلی‌کوپترهای آپاچی، تسلیحات دقیق هدایت‌شونده و تجهیزات نظارتی و هواپیماهای بدون سرنشین بوده است. (Sy-ed, 2016) از این رو واردات تسلیحات عربستان در بازه زمانی ۲۰۱۱-۲۰۱۵ نسبت به دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۶، ۲۷۵ درصد (تقریباً سه برابر) افزایش داشته است. (Norton-Taylor, 2016) در سال ۲۰۱۵، عربستان سعودی حدود ۸۷۰۰۰۰ اتومبیل از ایالات متحده وارد و ۵۳۳۷۴۹۱۲۸۱ دلار قطعات اتومبیل از سراسر دنیا خریداری کرده که فقط امریکا ۳۵۵۱۱۶۲۹۷ دلار قطعه اتومبیل به این کشور صادر کرده است (International Trade Administration, 2016:2). عربستان سعودی همچنین ۸۰ درصد از نیازهای غذایی شهروندان خود را از کشورهای خارجی وارد می‌کند و تنها ۲۰ درصد از محصولات غذایی این کشور را اتباع سعودی تأمین می‌کنند (Taha, 20 April 2014).

همان‌طور که ذکر شد اقتصاد عربستان به‌شدت به نفت وابسته است (تقریباً ۸۷ درصد از صادرات نفت و سوخت فسیلی) و شرکت دولتی آرامکو بزرگترین شرکت تولیدکننده نفت در جهان است که نفت عربستان را صادر می‌کند. مهم‌ترین کشورهای واردکننده اقلام و محصولات عربستانی عبارت‌اند از: ایالات متحده امریکا (۱۴ درصد از کل صادرات)، ژاپن (۱۳ درصد)، چین (۱۲ درصد)، کره جنوبی (۱۲ درصد) و هند (۸ درصد) (tradingeconomics, 2016).



۵. بحث و نتیجه گیری

در این مقاله گفته شد که به‌رغم برنامه‌ریزی‌های مقامات سعودی صورت‌بندی انباشت سرمایه در این کشور نه تنها پسا صنعتی نیست، بلکه نشانه‌های تحقق آن در آینده نیز دیده نمی‌شود. علل ضعف انباشت پسا صنعتی (پسافوردیسم) در عربستان سعودی دلایل گوناگونی دارد. اما مهم‌ترین دلیل آن به بسترهای سیاسی و حاکمیتی مربوط می‌شود. اگر چه عربستان سعودی برای کاهش وابستگی به نفت و ادغام اقتصاد خود در نظام انباشت سرمایه‌داری جهانی (دانش‌محور) برنامه‌ریزی‌های کلان و راهبردی انجام داده است، اما به علت عدم وجود جامعه مدنی و تحرک بخش خصوصی، جاه‌طلبی‌های رهبران سعودی در منطقه و هزینه‌های گزاف آن برای اقتصاد این کشور، عملاً این راهبردها اجرایی نخواهند شد. آنچه در این بین به این مسئله دامن می‌زند، جهانی شدن است.

مدل توسعه اقتصادی برخی از کشورهای در حال توسعه، گسست روافزون اقتصادهای توسعه یافته پسا صنعتی با اقتصادهای در حال توسعه و تجربیات شخصی برخی از شاهزادگان عربستانی در بسترهای جهانی شدن، بلندپایگان سیاسی و اقتصادی این کشور را به سمت نظام انباشت پسا صنعتی سوق داده است. از سوی، مظاهر جهانی شدن در لایه‌های جامعه عربستان نفوذ کرده و شکاف بین حاکمیت و جامعه را در صورتی که سازوکارهای حکومتی مانع آن نشود، افزایش خواهد داد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای حکومت در این خصوص توسعه اقتصادی یا طرح موضوع آن است. به عبارتی دیگر، اگر حکومت نتواند در کوتاه‌مدت بیکاری را کاهش داده و از سرمایه‌های انسانی و بخش خصوصی به منظور اعتلای توسعه اقتصادی بهره‌برداری کند، بهترین گزینه وعده تحقق اقتصاد دانش‌محور به جامعه خواهد بود.

از این رو، بیشتر از آنکه مواهب جهانی شدن نصیب اقتصاد عربستان شود، مضار آن گریبان‌گیر نظام انباشت سرمایه در عربستان سعودی شده است. به هر صورت، یکی از الزامات نظام انباشت پسافوردیستی، تحرک بخش خصوصی، مقررات‌زدایی و دولت‌زدایی است. در این ارتباط واقعیت‌های اقتصاد سیاسی این کشور بیانگر آن است که به رغم اهمیت زیاد بخش خصوصی برای اقتصاددانان در آینده، همچنان دولت بازیگر غالب اقتصاد عربستان سعودی به واسطه درآمدهای نفتی است. فعالیت‌های بخش خصوصی در داخل و خارج از کشور تقریباً ناچیز است. کارفرمای حدوداً سه‌چهارم از مردم، حکومت است و بخش خصوصی فقط در صورتی می‌تواند موفق باشد که بیشترین هماهنگی را با دولت داشته باشد. همان‌طور که گفته شد به دلایل سیاسی و امنیتی دولت از استقلال اقتصادی شهروندان خود در قالب تعاونی‌ها و بخش خصوصی واهمه دارد. از مهم‌ترین نتایج این امر نخست، انباشت سرمایه به واسطه مواد و سوخت‌های فسیلی است که عمدتاً به صورت خام صادر می‌شود؛ دوم، انحصار انباشت توسط دولت و عدم مشارکت بخش غیردولتی در فرایند انباشت سرمایه است و سوم، انباشت اندکی که توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد، کاملاً وابسته به انباشت دولت (درآمدهای نفتی) است.

از دیگر الزامات سیستم انباشت پسافوردیستی، انباشت سرمایه بر پایه دانش است. در این رابطه، باید اذعان کرد که ارتباط بین صنعت (تولید) و دانش در عربستان سعودی بسیار ناچیز است؛ دانشگاه‌ها به تشویق ایده‌ها و طرح‌های جدید نمی‌پردازند؛ و نوآوری و فناوری‌های نو

در سیستم اقتصاد و تولید این کشور کارکردی تحول‌زا ندارند. دلیل این امر وابستگی مزمن اقتصاد عربستان به نفت و مشتقات آن است. در واقع، چشم‌انداز صنعت در عربستان نه به واسطه دانشگاه‌ها بلکه توسط شرکت‌های نفتی به ویژه شرکت آرامکو و زیرمجموعه‌های آن تعریف می‌شود (Al-Shehri & Others, 2013: 448-450).

از این رو دانش و فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی نقشی اندک در نظام انباشت سرمایه دارند. برای مثال همان‌گونه که گفته شد حدود ۵ درصد مجموع ارزش بازار سهام در سال ۲۰۱۱، مربوط به قسمت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و کمتر از یک درصد مربوط به بخش هتل و توریسم بوده است؛ یعنی تقریباً بخش خدمات کارایی چندانی ندارد و نمی‌توان به عنوان اصلی از اصول پساפורدیسیم از آن بهره‌برداری کرد.

از دیگر پایه‌های صورت‌بندی انباشت پساפורدیسیتی، تولید تخصصی به کمک نیروهای انسانی ماهر است. از این حیث نیز عربستان سعودی با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. سیستم آموزش و پرورش عربستان کاربردی نبوده و اکثر نوجوانانی که از دبیرستان‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند از مهارت کافی برای تولید تخصصی بی‌بهره‌اند؛ به علاوه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ماهر سعودی نسبت به جمعیت کم و مهندسان خارجی شاغل در عربستان سعودی چند برابر افراد بومی شاغل هستند. از این رو دولت برای تغییر این وضعیت برنامه‌هایی از قبیل سعودی‌سازی را اجرا کرده است. اما به نظر نمی‌رسد که این طرح با موفقیت چشمگیری مواجه شود؛ چرا که یکی از علل عدم انباشت سرمایه به واسطه نیروهای بومی، فرهنگ حاکم بر نیروی کار (متخصص و کارگر) است. سعودی‌ها خود را برتر از سایر ملیت‌ها دانسته و تا زمانی که نیروهای انسانی خارجی در این کشور حضور داشته باشند از تولید در فرایندهای کاری و نیز کارهای تخصصی سر باز می‌زنند. یکی از پایه‌های مهم دیگر پساפורدیسیم، اصل تنوع در تولید کالاهایی است که در عرصه بین‌المللی یا داخلی مستقیماً به مصرف مشتری برسد. در این زمینه نیز نمی‌توان چشم‌انداز سازنده‌ای برای عربستان متصور شد. در واقع بیشتر محصولات صادراتی عربستان محصولات و اقلام نفتی است و بیشتر محصولات وارداتی این کشور جنبه مصرفی دارند. این کشور سال‌های سال از صادرات نفت خام در مقیاس بسیار وسیع صرف نظر نکرده و در مقابل عمده محصولات وارداتی آن به تسلیحات و ادوات نظامی، آهن‌آلات، سنگ‌های زینتی قیمتی، دارو و جویبات معطوف شده است. این معادله به خوبی نشان می‌دهد عربستان سعودی در عرصه تجارت بین‌الملل کالاهای متنوعی برای عرضه و انباشت بیش از پیش سرمایه نداشته و در مقابل نوع کالاهای وارداتی عربستان نیز مشخص می‌کند که این کشور یکی از مقاصد و مشتریان نظام پساפורدیسیتی است.



انباشت گسترده دولتی	گتردگی اقتصاد دولتی	تداوم نظام انباشت دولتی سرمایه (میتنی برسوغت‌های فیلی)	فقدان جامعه منفی	موانع ادغام اقتصاد عربستان در صورتبتدی انباشت پسا غوردیستی
کم‌تحرکی بخش خصوصی در قرآیند انباشت				
انباشت ناچیز بواسطه ارتباط صتعت و دانشگاه	کاوایی لندک دانش در انباشت	جهانی شدن		
دورسد لندک بخش خدمات در قرآیند انباشت	کمیود سرمایه انسانی ماهر	جاهطلبی‌های منطقه‌ای		
عدم کاربرد نظام آموزش و پروش در نظام انباشت	وابستگی تجارت بین‌الملل به نفت			
انباشت سرمایه بواسطه نیروی کار خارجی				
انباشت از طریق صادرات کالاهای نفتی				
وارد نسمودن کالاهای دولتی محور				

منابع

1. Aarts, P., & Nonneman, G. (2006). Ideology, Economy, Foreign Policy and the Outlook for the Saudi Polity. *Saudi Arabia in the Balance: Political Economy, Society, Foreign Affairs*. London: Hurst, 433-455.
2. Agnew, J. (2001). The new global economy: time-space compression, geopolitics, and global uneven development. *journal of world-systems research*, 7(2), 133-154.
3. Al-Filali, I. Y., & Gallarotti, G. M. (2012). Smart Development Saudi Arabia's Quest for a Knowledge Economy. *International Studies*, 49 (1-2), 47-76.
4. Alshabri, N., Khalfan, M., Noor, M. A., Dutta, D., Zhang, K., & Maqsood, T. (2015). "Employees' turnover, knowledge management and human recourse management: a case of Nitaqat program". *International Journal of Social Science and Humanity*, 5(8), 701-706.
5. Al-Shehri, A., Ebrahim, M. A., Shafeek, H., Soliman, M. F., & Abdel-Aziz, M. H. (2013, August). Bridging the Gap between University and Industry: Efforts Made at Faculty of Engineering–Rabigh-Saudi Arabia. In *2013 International Conference on Advanced ICT and Education (ICAICTE-13)*. Atlantis Press. 448-456.
6. Alsodais, Sami. (2013). "Science, Technology & Innovation in Saudi Arabia". *WIPO Magazine*. Saudi Patent Office, King Abdulaziz City for Science and Technology (KACST), 23-26.
7. Bashehab, O. S., & Buddhapriya, S. (2013). "Status of knowledge based economy in the Kingdom of Saudi Arabia: An analysis". *Journal of Social and Development Sciences*, 4 (6), 268. 278.
8. Central Department of Statistics and Information, (2016), *Statistics Library*.
9. Debnath, S. C. (2015). *Creating the Knowledge-based Economy in Kingdom of Saudi Arabia to Solve the Current Unemployment Crisis*. 1-20.
10. Depetris Chauvin, Nicolás M. (2010). "The Rise of the Gulf: Saudi Arabia as a Glob-



- al Player". *International Reports*. Issue 5. 44-58.
11. Esping-Andersen, G. (1992). *Post-industrial class structures: an analytical framework*. Instituto Juan March de estudios e investigaciones.
 12. Etheridge, J. (2002). Desert Mirage: Saudi Arabian Debt and Political Instability", *Political Economy of the Middle East Prof. Clement Henry*. 1-22.
 13. Ferkiss, V. (1979), "Post-Industrial Society: Theory, Myth, Ideology", *The Political Science Review*, IX forthcoming, 61-102.
 14. Gartman, D. (1998). "Postmodernism or the Cultural Logic of Post-Fordism?", *The Sociological Quarterly*, 39 (1), 119-137.
 15. Global Edge. (2017). *Saudi Arabia: Trade. Statistics your source for global business knowledge*. Home, Global Insights, By Country, Saudi Arabia, Trade Statistics.
 16. Hirschhorn, L. (1988). "The post-industrial economy: Labour, skills and the new mode of production", *The Service Industries Journal*, 8 (1), 19-38.
 17. Ibrahim, M. A. (2013). "Financial development and economic growth in Saudi Arabian economy". *Appl Econ Int Dev*, 13(1), 133-144.
 18. International Trade Administration. (2016). *2016 Top Markets Report Automotive Parts Country Case Study: Saudi Arabia*. U.S. Department of Commerce, 2016 ITA Automotive Parts Top Markets Report.
 19. Jeddah Chamber of Commerce and Industry. (2016). *Saudi Arabia – Industrial Sector Overview Report*.
 20. Jessop, B. (1991). *Fordism and Post-Fordism: a Critical Reformulation*. Lancaster. UK: Lancaster Regionalism Group.
 21. Khorsheed, M. S. (2015). "Saudi Arabia: From Oil Kingdom to Knowledge-Based Economy". *Middle East Policy*, 22(3), p, 147-157.
 22. Kingdom imports 80% of food products. *Arab News*. (20 April 2014). Business & Economy. the Middle East's Leading English Language Daily.
 23. Lindert, Peter H and Williamson, Jeffrey G. (2002), "Does Globalization Make the World More Unequal?", in M. Bordo, A. M. Taylor and J.G Williamson, (eds.), *Globalization in Historical Perspective*, (Chicago: University of Chicago Press).
 24. Linnemann, H. & Lacroix, S. (2015). *Politics and Business in Saudi Arabia: Characteristics of an Interplay*. Political Sociology of the State in the Contemporary Arab World.
 25. Martorell, B. E. (2012). *Oil, politics, society and the state in the middle east: Enduring authoritarianism in Iran and Saudi Arabia*.
 26. McKinsey Global Institute (MGI). (2015). *Saudi Arabia Beyond Oil the Investment and Productivity Transformation*.
 27. Muller, J. Z. (2013). Capitalism and inequality: What the right and the left get wrong. *Foreign Affairs*, 92, 30.
 28. National Strategy for Transformation into Knowledge Society. (2012). *transformation of the kingdom into knowledge Society Knowledge-Based Economy*.
 29. Norton-Taylor, Richard. (22 February 2016). Saudi Arabia leads surge in arms imports by Middle East states, *The Guardian*.
 30. Nour, S. (2014). *Transition to knowledge-based economy in Saudi Arabia* (No. 029). United Nations University-Maastricht Economic and Social Research Institute on Innovation and Technology (MERIT).
 31. Only 6% KSA engineers are Saudi. *Arab News*. (20 September 2014). the Middle



- East's Leading English Language Daily.
32. OPEC, O. (2016). Annual Statistical Bulletin 2016. *Organization of Petroleum Exporting Countries, Vienna, Austria*.
 33. Robinson, W. I. (2004). *A theory of global capitalism: Production, class, and state in a transnational world*. JHU Press.
 34. Salem, M. I. (2014). "The role of universities in building a knowledge-based economy in Saudi Arabia". *The International Business & Economics Research Journal (Online)*, 13(5), 1047-1056.
 35. *Saudi Arabia Exports*. (2016). Tradingeconomics. <http://www.tradingeconomics.com/saudi-arabia/exports>
 36. Sivramkrishna, S. (2016). Can a country really go broke? Deconstructing Saudi Arabia's macroeconomic crisis. *real-world economics review*, 75.
 37. Stiftung, Verlag Bertelsmann. (2016). *BTI, Saudi Arabia Country Report*.
 38. Syeed, Nafeesa. (13 June 2016). Saudi Arabia's Weapons Imports Lead Surge in Global Arms Sales. *Bloomberg*.
 39. Taha, Sharif M. (20 April 2014). "Kingdom imports 80% of food products", *Arab News*, <http://www.arabnews.com/news/558271>
 40. U.S.-Saudi Arabian Business Council. (2016). *The Oil and Gas Sector in the Kingdom of Saudi Arabia*, Strengthening Bilateral Business Relations through Trade and Investment.
 41. Waldman, P. (2016). "The \$2 Trillion Project to Get Saudi Arabia's Economy Off Oil". *The Bloomberg Business Week*.
 42. Yamada, M. (2015). Saudi Arabia's Look-East Diplomacy: Ten Years On. *Middle East Policy*, 22(4), 121-139.



۱۹۴